

## ایران و آمریکا • گزینه جنگ یا صلح

نشست شرم الشيخ تمام شد، بی آنکه مذاکره ای میان وزرای خارجه ایران و آمریکا در آن صورت گیرد. بسیاری ناظران اما حضور دو کشور در این اجلاس را آغازی مثبت می دانند.



دکتر هوشنگ امیر احمدی، تحلیلگر سیاسی، استاد اقتصاد و رئیس شورای ایرانیان و آمریکائیان از جمله کسانی است که دورنمای مناسبات ایران و آمریکا را با خوشبینی دنبال می کند و می گوید مشکل اصلی دو دولت در حال حاضر، بی اعتمادی متقابل به یکدیگر است.

**دویچه وله:** وزرای خارجه ایران و آمریکا در شرم الشيخ با هم مذاکره نکردند اما وزیر خارجه عراق گفته است که مهم این بود که هر دو کشور در نشست حضور داشتند. به نظر شما اهمیت این حضور چه می توانست باشد؟

**هوشنگ امیر احمدی:** خیلی مهم بود. اولاً دیدار کردند و دوماً که قرار نبود مذاکره در باره مسائل مستقیم ایران و آمریکا باشد. مسئله عراق که یک وقتی در رابطه ایران و آمریکا نبود، امروز یکی از مهمترین مسائل است. بنابراین همین که دور مسئله عراق، ایران و آمریکا کنار هم بنشینند. این که خبر غافلگیرکننده ای در طی این نشست مطرح نشد به نظر من بخاطر اینست که مطبوعات انتظارها را خیلی بالا برده بودند و هیجان ایجاد کرده بودند. بدون این که این هیجان اساس داشته باشد، چون از اول هم قرار نبود هر دو کشور در سطح وزیر، بدون برنامه و مقدمه بنشینند و حرف بزنند. اما نکته مهمی در رابطه ایران و آمریکا اتفاق افتاده و آن اینکه شخص آیت الله خامنه ای که سالها مخالف این رابطه بود، الان موافقت کرده که دولت ایران، وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی با دولت آمریکا مذاکره مستقیم دو جانبه بکند.

**مشاور نخست وزیر عراق، موفق ربیعی از جمله گفته که هر دو دولت تمایل به مذاکره مستقیم دارند، اما آنچه مانع میشود، موانع روانی است. شما با این ارزیابی موافقت میکنید؟**

مسئله روانی نیست بلکه اعتمادی است. در این بی اعتمادی موجود هم آمریکا مقصر است و هم ایران. در مراحل اول باید اعتماد آفرینی کرد و هر دو طرف باید در این زمینه تلاش کنند. الان آمریکا اصرار دارد که بعنوان پیش شرط، ایران غنی سازی را معلق کند و بعد سر میز مذاکره بیاید. در حالیکه ایران میگوید حاضرم مذاکره کنم اما بدون پیش شرط. اینجا چیزی که مانع می شود، بی اعتمادی است. آمریکا میتواند بگوید خیلی خوب! شما بیاید پای مذاکره و بعد در جریان این یک ماه، غنی سازی را قطع کنید. اگر آمریکا این کار را نمی کند، احساسش اینست که نمیشود به ایران اعتماد کرد و برعکس اش هم هست که ایران چنین تصویری از آمریکا دارد. من فکر میکنم در مرحله بعدی باید ایران اولاً قطعنامه شورای امنیت را بپذیرد. ایران باید غنی سازی را به طور موقت و زمانبندی شده قطع کند. اما سر میز مذاکره به آمریکا و اروپا بقبولاند که در باره ایده کنسرسیوم غنی سازی بحث کنند. این ایده خوبی بود که دولت احمدی نژاد مطرح کرد. ایران البته نباید اصرار کند که این کنسرسیوم تمام اش در ایران باشد و باید بخشی از آن در ایران باشد و بخشی دیگرش، خارج از ایران باشد. من امیدوارم و فکر میکنم هر دو کشور روزی به این نزدیکی میرسند.

**اما برخلاف نظر شما، برخی تحلیلگران معتقدند مادام که دولت بوش و دولت کنونی ایران بر سر کار هستند، بحران میان آمریکا و ایران ادامه خواهد داشت و گشایشی در کار نخواهد بود...**

من اصراری ندارم که بگویم حتماً این اتفاق بین ایران و آمریکا حتماً سال آینده می افتد. در مقطعی کنونی، متأسفانه ما دیگر گزینه نه جنگ و نه صلح بین ایران و آمریکا نداریم. این گزینه که ۲۷ سال وجود داشت دیگر از بین رفته و ما اینک وارد مرحله ای شده ایم که گزینه هایمان یا جنگ هستند یا صلح. امکان این که یا جنگ شود یا صلح، به نظر من پنجاه پنجاه است. مخصوصاً در دوره آقای احمدی نژاد و بوش. در هر دو طرف ما نیروهای جنگ طلب و خشن داریم و در هر دو طرف هم نیروهای طرفدار عادی سازی وجود دارند. باید سعی کرد نیروهای طرفدار عادی سازی را تقویت کنیم. قبول دارم که مشکل است مادام که بوش و احمدی نژاد سرکار هستند، بین ایران و آمریکا اتفاقی بیفتد. نیم این ماجرا بدبینی است و نیم دیگر خوشبینی. من برای نیمه خوشبین این داستان امیدوارم و برایش تلاش می کنم.

**آیا اعتراض آقای متکی به پوشش يك موزیسین زن در ضیافت شام شرم الشيخ و ترك مجلس مصارف داخلی دارد یا يك نوع پیام مقاومت برای آمریکاییها هم داشت ؟**

من بیشتر فکر میکنم داخلی است. یادمان نرود که چندی قبل برای مشاور آقای احمدی نژاد در ترکیه همین موضوع پیش آمد که در مجلسی يك خانم عربی رقصیده بود و او تماشا کرده بود. جنجال بزرگی پیش آمد. نگرانی ها از يك سري نیروهای داخلی است که اساس قدرت هستند. اما در عین حال بازی هم بوده. یکی از دلایلی که آقای خمینی شورای مصلحت نظام را تشکیل داد همین بود. آقای متکی باید بداند که مصلحت نظام این بود که بماند و بنشیند و از آن جریان استفاده کند. به نظر من ایشان علیه مصلحت نظام عمل کرد. مصلحت نظام یا کشور ایجاب نمی کند شما بخاطر يك خانم که پوشش اش کم است، جلسه ای به این اهمیت را ترك کنید که مهمترین آنها در آن نشستند اند که با ایران مسئله دارند. يك نفر باید این را در ایران توضیح دهد. نه فقط برای آقای متکی، بلکه برای تمام نیروهایی که چنین فکر میکنند. اینها نمی توانند مصلحت ایران را فدای این بازی ها کنند. مصلحت کشور حکم میکند آقای متکی بماند و با خانم رایس حرف بزند، حتی اگر این خانم لخت هم در جلسه بود، باید ممانعت می کرد. مهم وضعیت ایران بود نه وضعیت آن خانم!